

استعاره و پارادایم‌های ترجمه

پل ریکور

ویراستار ترجمه: مهرداد پارسا

ترجمه:

مهرداد پارسا، مهدی پارسا، فائزه جعفریان، حسام دهقانی



سرنشانه: ریکور، پل، ۱۹۱۳-۲۰۰۵م. Ricoeur, Paul

عنوان و نام پدیدآور: استعاره و پارادایم‌های ترجمه / پل ریکور؛ ویراستار ترجمه: مهرداد پارسا

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شَونَد، ۱۳۹۴. ● مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص؛ ۱۴/۵*۲۱/۵ سم ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر مجموعه‌ای است مشتمل بر مقاله‌ای از پل ریکور درباره‌ی استعاره، و مقالات کتاب «درباره‌ی ترجمه» و پیوستی از آیلین برنان

یادداشت: نمایه ● موضوع: ترجمه ● شناسه افزوده: پارسا خانقاه، مهرداد، ۱۳۶۳، مترجم

شناسه افزوده: برنان، آیلین ● شناسه افزوده: Brennan, Eileen

شناسه افزوده: کارنی، ریکارد، ۱۹۵۴-م. ● شناسه افزوده: Kearney, Richard

ردیف: بی‌کنگره: ۱۳۹۴/۹۵۴/۲۰۶ ● رده‌بندی دیویی: ۴۱۸/۰۲ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۳۹۰۹۱

Metaphor and the Paradigms of Translation

Paul Ricoeur

Mehrdad Parsa



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه روشن، پلاک ۵۰، واحد دوم، واحد پنجم

کد پستی ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۱۹۰۷۱ نمابر: ۰۲۱-۸۸۹۱۹۰۷۱

ناشر: شَونَد

استعاره و پارادایم‌های ترجمه پل ریکور مهرداد پارسا

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴، تهران تیراژ: ۵۰۰ نسخه قیمت: ۹۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-95761-2-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۲-۸

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

توضیح ویراستار	۷
۱. استعاره و گفتمان فلسفی / پل ریکور / مهدی پارسا، حسین حسینی	۱۱
۲. ترجمه به مثابه‌ی چالش و منشأ سعادت / پل ریکور / مهرداد پارسا	۱۰۹
۳. پارادایم ترجمه / پل ریکور / مهرداد پارسا	۱۱۹
۴. یک «گذرگاه»: ترجمه‌ی امر ترجمه‌ناپذیر / پل ریکور / مهرداد پارسا	۱۳۹
پیوست ۱: فلسفه‌ی ریکور درباره‌ی ترجمه / ریچارد کارنی / مهرداد پارسا	۱۴۹
پیوست ۲: پدیدارشناسی هرمنوتیکی و پارادایم ترجمه / آیلین برنان / فائزه جعفریان	۱۶۵
نمایه‌ی نام‌ها	۱۷۷

توضیح ویراستار

در هستی‌شناسی مرموز ترکی ریکور که برخلاف پدیدارشناسی دازاین‌مدار هایدگر، بر نوعی روش فلسفی مبتنی بر کژراهه‌های معناشناختی و زبانی بنا دارد، توگویی میان دو ابزار زبانی و حل هستی‌شناختی استعاره و ترجمه قرابتی ضمنی و وجه مشترکی وجود دارد که به سنگ بنای تفکر راه بدل می‌شود: انتقال و حرکت، حرکتی از خود به دیگری، راه یافتن به امر خودی از خلال ناملی غیرخودی. استعاره و ترجمه نوید معنایی را می‌دهند که صرفاً نه در آن‌جا، در راه‌ها؛ یا، کوفته‌ی هستی، که در جایی خارج از اثر، در بیراهه‌های مغفول‌مانده‌ی متن و زبان تحقق می‌یابد.

به باور ریکور، استعاره که با سبقه‌ی رسطایی خود بر اساس شباهت میان دو واژه و با حرکت از یکی به دیگری عمل می‌کند، به واسطه‌ی همین حرکت آشوبنده و ایجاد اختلال در جایگاه تثبیت‌شده‌ی واژه/ایده‌ای واحد، امکان گسترش افق‌های زبانی و درنهایت خلق امکان‌های ادراک‌ناشده‌ی جدید را برای مواجعات تازه با زبان، معنا و هستی فراهم می‌کند. برخلاف برداشت متعارف، اگر استعاره و تفسیر و کشاکشی میان دو واژه فرض کنیم که از صرف زینت و ابزاری برای آراستن متن فراتر می‌رود، واژه‌های مستقر در زبان از خلال قلمروزدایی زبانی به‌شیوه‌ای نامعمول و دلالت‌گریز فهم شده و هستی و تفسیر قریه می‌شود. فرآیند پویای استعاری‌سازی (برخلاف واژه‌های مرده‌ی فرهنگ واژگان) که در شعر یا گفتمان پوئتیک (در نسبت با گفتمان نظری) تجسم می‌یابد، از نظر ریکور پلی است برای تفکری زاینده که با ترغیب به اندیشیدن

بی‌وقفه، معنا را از طریق به عاریه گرفتن افعی به جای افعی دیگر به فرآیندی دلالتی بدل می‌کند. از این حیث، در فرآیند استعاری‌سازی که منطق چیزها چنان که هستند را متزلزل کرده و قسمی غریب‌نوازی زبان/هستی‌شناختی را ترویج می‌کند، نوعی توسل به غیر، به دیگری وجود دارد؛ نوعی توسل به دیگری (چه واژه و چه سوژه‌ای دیگر) که با نیروی فروتنی و پرسش‌گری بی‌پایان پیش می‌رود. با این همه، از نظر ریکور، این تقوی، تفکر بند آمدنی ندارد و بی‌سکنی‌گزیدن به راه خویش ادامه می‌دهد. بدین ترتیب، ریکور استعاره را افزون بر پارادایم زبانی آن، واجد ساحتی بیرون‌زبانی و پارادایمی هستی‌شناختی می‌داند که بر فرض شکلی از سوگواری دائمی برای ابرّه/واژه/هستی هموار از دست رفته استوار است.

اما حرکت استعاره چه به مثابه‌ای امری بیرون‌زبانی و جزئی و چه غیر آن، در ترجمه (چه در پارادایم زبانی و چه فراتر از آن در پارادایم هستی‌شناختی) جنبه‌ای کلی‌تر می‌یابد که همچون استعاره عمدتاً بر مفهوم انتقال و حرکت بنا دارد: انتقال از واژه‌ای به واژه‌ی دیگر، حرکت از یک زبان به زبانی دیگر، و فهم جهان خویش از خلال زبان دیگری؛ فاصله‌گرفتن از خویش و از زبان خودی و درنهایت از هستی برای گشودن فضایی برای آزمودن ادراکی که تنها از بیراهه‌ها به مقصود می‌رسند. ایده‌ی ترجمه و ضرورت مواجهه دیگری، مبتنی بر پذیرش نابسندگی پیشینی زبان خویش و دست‌شستن از رویای یک جهان کامل است. بدین قرار، ترجمه نه تنها معنای خود، زبان و معرفت را دگرگون می‌سازد، بلکه با ایجاد فضایی برای تصادم رخدادهای شخصی و نوآوری معناشناختی، امکان بداندن و گسترش بی‌امان ساحت متکثر هستی را نیز فراهم می‌کند. این فاصله‌گرفتن از خود و جهان خود به عنوان شرط لازمی برای پویایی تفکر به واسطه‌ی کاربرست استعاره و ترجمه به مثابه‌ی ابزارهایی شناختی و شروط غیراستعلایی تجربه و تعقل صورت می‌گیرد، و از شجاعت رودررویی تنش‌زای میان دو فرد، ارباب و برده در یک زمان، نیرو می‌گیرد.

کتاب حاضر شامل مقاله‌ای پراهمیت و دشوارخوان از ریکور درباره‌ی استعاره و فصولی درباره‌ی دو پارادایم ترجمه و پروژه‌ی هرمنوتیکی ریکور است. به گمانم، بیراه نرفته‌ایم اگر این بیراهه‌ی استعاره به ترجمه یا امر جزئی به امر کلی را یکی از مقدمات فهم فلسفه‌ی هرمنوتیکی ریکور بدانیم که با تمرکز بر مفهوم انتقال زمینه‌ی مواجهات

او با هایدگر و کثرت‌گرایی محض دریدا را روشن می‌کند. باری، آنچه در بحث از استعاره و ترجمه (و البته ترجمه‌ی مجدد برخی از مقالات آثار فلسفی) اهمیت دارد، فراهم آوردن امکانی برای جریان بی‌پایان بازاندیشی واژه‌ها، بازخوانی‌ها و ترجمه‌های متکثر و چندباردی معنا و جهانی است که تنها از طریق همین کثرت خوانش‌ها و ترجمه‌ها امکان ظهور می‌یابد. و از همین رو است که ریکور در مقابل توهم ترجمه‌ی کامل، خواننده را موظف می‌داند که همواره معنای استعاری جدید و ترجمه‌ای تازه بیافریند.

مهرداد پارسا

پاییز ۹۴

www.ketab.ir